

به استقبال اول مه روز جهانی کارگر برویم!

اول مه روز جهانی کارگر، روز اتحاد و همبستگی ۹۹ درصدی های جامعه



سال ۱۴۰۱ و چشم انداز اقتصاد جمهوری اسلامی

گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه رویدادها در کانال جدید

در سال ۱۴۰۱. به همین منظور دعوت کرده ایم از کاظم نیکخواه عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری تا با ما گفتگو کنند.
کاظم عزیز به برنامه ما خوش آمدید.

کاظم نیکخواه: با درود به شما میثم عزیزو سال نو را به همه شما شادباش میگویم

میثم عتیق: قبل از هر چیز نگاهی داشته

درصدی داشته است. اما دیگر اقلام نظیر خدمات و حوزه مسکن رشد کمتری داشته است. این در حالی است که قیمت های واقعی در بازار رقم هایی چند برابر این آماری که مرکز آمار ایران اعلام کرده را نشان میدهد. در ادامه و در حاشیه این آمار مرکز آمار ایران در مورد وضعیت اقتصادی کنونی کشور نگاهی دقیقتری میکنیم و می پردازیم به صحبت های چند تن از مقامات جمهوری اسلامی. در مورد چشم انداز اقتصادی جمهوری اسلامی

میثم عتیق: مرگر آمار ایران میگوید که نرخ تورم سالانه در اسفند ۱۴۰۰ به ۲.۴۰ درصد رسیده است. این سومین بار در تاریخ جمهوری اسلامی است که نرخ تورم سالانه بالای چهل درصد در کشور اعلام میشود. قبلا در سالهای ۷۴ و ۹۸ نرخ تورم به بالای چهل درصد رسیده بود. نرخ تورم سال ۹۹ حدود ۴.۳۶ درصد اعلام شده بود. جزییات گزارش مرکز آمار نشان میدهد که قیمت خوراکی ها در ۱۲ ماه گذشته نسبت به سال ۹۹ رشدی ۵۲

محورهای مورد تاکید برای برکناری یک اول مه باسکوه

صفحه ۵

بذیان های بدنی نیمه جان

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۱۹

۸ فروردین ۱۴۰۱

۲۸ مارس ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

۶ فروردین: تجمع اعتراضی کشاورزان شرق و غرب اصفهان

صفحه ۷

در خوزستان چه خبر؟ کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

صفحه ۸

اطلاعیه فری دم ناو، صفحه ۸

احضار زاله روحزاد، رسول بدایق، و حمید قندی به دادگاه

صفحه ۱۰

از مدیای اجتماعی

صفحات ۹ و ۱۰



از صفحه ۱

سال ۱۴۰۱ و چشم انداز...

باشیم به صحبت های نوروزی خامنه ای که اساسا محور اقتصادی داشت. علی خامنه ای در پیام نوروزی سال ۱۴۰۱ خود تنگی معیشت و گرانی و تورم را سخت ترین و "مهمترین تلخی کشور" در سال گذشته دانست و گفت که رفع مشکلات یاد شده به زودی واقع بینانه نیست. خامنه ای روز یکشنبه ۲۹ اسفند با اشاره به مشکلات اقتصادی گفت که خوب باید حتما علاج بشود این مشکلات اقتصادی. ما امسال امیدواریم بخشی از اینها برطرف شود. چون همه این دفعتا برطرف نمیشود. به تدریج برطرف خواهد شد. او اظهار داشت که اینکه آدم عجله کند و بگوید نخیر به همین زودی واقع بینانه نیست. کاظم نیکخواه این صحبت هایی بود که خامنه ای در صحبت ها نوروزی اش مطرح کرد و پایه اساسی صحبتهایش در مورد اقتصاد بود. این تاکیدات ویژه خامنه ای بر مساله اقتصاد در پیام نوروزی اش به نظر شما چه دلیلی دارد؟ و فکر میکنید که چرا انقدر پر رنک کرده است و تاکید میکند که حل مساله اقتصاد خیلی زود نیست و نباید عجله کرد. و واقع بینانه عمل کرد؟

کاظم نیکخواه: در واقع این پاسخی هست یا انتقادی است به صحبت های رئیسی که همین یکی دو هفته پیش گفته بود که ظرف پانزده روز ما فقر مطلق را در ایران ریشه کن میکنیم. و این گفته او به موضوع مضحکه و تمسخر بسیاری از رسانه ها و مردم در جامعه تبدیل شد. و خامنه ای در واقع دارد میگوید که صحبت های رئیسی به خودش مربوط است و ما فکر میکنیم که واقعی نیست. به هر حال فشار فقر توی جامعه ایران بسیار سنگین است. اعتراضات در سال گذشته بسیار زیاد بوده و بخش اعظم اعتراضات اعتراض به زندگی زیر خط فقر، به محرومیت ها، به قیمت های بالا و تورم و غیره است و در کنار این مساله کلیت جمهوری اسلامی را مورد تعرض و اعتراض قرار میدهند. بطور واقعی این اعتراضات وحشتی را در صفوف حکومت

ایجاد کرده و خامنه ای هم می خواهد یک مقداری نشان دهد و بگوید که حواسمان هست و کاری خواهیم کرد اما آنطور که رئیسی میگوید نیست که دو هفته ای مشکلات تمام شوند. بلکه بیشتر طول خواهد کشید. به نظر من تا جمهوری اسلامی هست اوضاع همچنان بد و بدتر خواهد شد و مردم هم میدانند که امیدی به این حکومت نیست.

میشم عتیق: بله اشاره داشتید به صحبت رئیسی که دو هفته قبل از سال نو که به استانداران گفته بود که باید نگذارند که مساله فقر مطلق به سال ۱۴۰۱ برسد. اما همانطور که اشاره کردید از یکطرف جامعه دارد از اعتراض میجوشد و عمده اعتراضات نیز به مسائل معیشتی است. کارگران، بازنشستگان، معلمان، و غیره و غیره. از طرف دیگر وضعیت بین المللی جمهوری اسلامی نیز خوب نیست. اگر کمی امید داشتند نسبت به اینکه اوضاع اقتصادی شان با برجام بهبودی پیدا کند برجام هم الان عملا در هوا است به نوعی. شما فکر میکنید در شرایطی که در داخل و خارج برای جمهوری اسلامی وجود دارد، چشم انداز اقتصادی خواهد بود؟

کاظم نیکخواه: در مورد برجام اشاره کردید. احتمال آن هست که بالاخره به توافقی برسند و بعد هم با توجه به جنگ اوکراین قیمت نفت الان بسیار بالا رفته و اینها بالاخره فاکتورهایی است که میتواند به کمک جمهوری اسلامی بیاید. ولی تجربه قبلی برجام در همان سال ۲۰۱۵ که برجام امضا شد و مدتی هم جریان داشت نشان داد که وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی وخیم تر از آن است که با برجام یا بدون برجام بشود کمک جدی ای به آن کرد. مساله اساسی اینست که جمهوری اسلامی توی سطح دنیا منزوی است. بخاطر سیاستهایش، بخاطر موضع ایدئولوژیکی که دارد، ضد آمریکایی گری و امثال اینها و صفوفش حول اینها شکل

خبرگزاران داخلی میگوید که با شکلی که امروز عمل میشود نه تنها فقر مطلق از بین نمی رود بلکه بسیار بیشتر میشود و دهک های کم درآمد با مشکلات بسیار بیشتری مواجه میشوند. او همچنین پیش بینی کرده است که در سال پیش رو افزایش قیمت زیادی در پیش خواهیم داشت و قشر آسیب پذیر در این میان بیشترین صدمه را متحمل میشوند و گفته است که با وجود پیش بینی رسمی بر مبنای تورم هفتاد درصدی در سال ۱۴۰۱ بدلیل مشکل در ساختار توزیع نظارت و قیمت گذاری تورم بسیار بیشتر از مقدار رسمی خواهد شد. در واقع حتی رقم تورم از آن رقم هفتاد درصدی که خود ارگان های جمهوری اسلامی برای تورم سال ۱۴۰۱ عنوان کرده اند خیلی بیشتر خواهد بود. این خبر از لحظه انتشارش تا کنون سر و صدای زیادی کرده است و کارشناسان جمهوری اسلامی دارند حول ان صحبت میکنند. تا همین الان کارگران، معلمان، بازنشستگان و مردم اعتراضات گسترده ای را حول مساله معیشت و زیست سازمان داده اند و میتوانیم بروزاتش را ببینیم با توجه به اینکه داریم به اول مه روز جهانی کارگر نزدیک میشویم فکر میکنید که مردم، مردم معترض و بویژه مزدبگیران جامعه چطور میتوانند در برابر این وضعیت فلاکتبار اقتصادی اعتراضات گسترده تری را سازمان دهند.

کاظم نیکخواه: بگذرید اول در مورد این آماری که اشاره شد صحبتی داشته باشم. ۴۰ درصدی که جمهوری اسلامی میگوید همه میدانند که واقعی نیست. یعنی تورم بسیار از اینها بالاتر است. و بطور واقعی از هفتاد درصد هم بیشتر خواهد بود. منظورم اینست که مردم باید بدانند که اگر مقابله جدی با جمهوری

گرفته است. در نتیجه به راحتی نمیتواند از این مواضع عقب بنشیند. چون دچار تشقت و نزاعهای درونی جدی میشود. همین باعث میشود که اقتصاد این حکومت مدام وضع خرابتری پیدا کند. در دنیای امروز نمیشود کسی خودش را در دنیا در انزوا نگهدارد و بتواند زندگی کند. هیچ کشوری و هیچ دولتی نمیتواند. جمهوری اسلامی در چنین وضعیتی گیر کرده است. بحران این حکومت و بیماریهای اقتصادی اش آنچنان عمیق شده که تورم و رکود با هم بر اقتصاد حاکم است. نمیتواند پول توی بازار بریزند چون فی الحال تورم بسیار بالایی وجود دارد و وضع را بدتر میکند. و نمیتواند پول را جمع کنند چون رکود بسیار بالایی وجود دارد و بازهم وضع بدتر خواهد شد. مثل بیماری که چند بیماری مهلک دارد و دارویی که در مورد یک بیماری مصرف میکند بیماری دیگر را تشدید میکند. یعنی بدترین نوع بیماری اقتصادی را جمهوری اسلامی دارد که کاری برای ان نمیتواند بکند. این با بحران های معمول سرمایه داری فرق میکند. ریشه آن نیز در اقتصاد نیست. در سیاست جمهوری اسلامی است. در نتیجه فکر میکنم که در سال جاری نیز مردم با مشکلات اقتصادی زیادی در ایران مواجه خواهند بود. و این جامعه ای است که ساکت نیست. مستاصل نیست. کوتاه نیامده. فشار میگذارد روی گلوی جمهوری اسلامی. در نتیجه ما با یک فضای داغ و جنگ و جدال وسیعی مواجه خواهیم بود.

میشم عتیق: در رابطه با این چشم اندازی که برای سال ۱۴۰۱ ارائه دادید، رئیس کمیسیون بازرگانی داخلی اطاق بازرگانی جمهوری اسلامی در اشاره به صحبت های ابراهیم رئیسی در مورد ریشه کن کردن فقر در مصاحبه ای با یکی از



آمارهای نگذرنده منتشر شده از سوی نهادهای دولتی از سال ۱۴۰۰

سال ۱۴۰۰ دست کم ۱۰۶۶۹ کارگر اخراج یا بیکار شدند. این بیکارسازیها در کنار جمعیت میلیونی بیکار در جامعه و عدم برخورداری خیل عظیم کارگران بیکار از هر گونه تامینی یک فاجعه انسانی است. همه افراد بدون درآمد از جمله کارگران بیکار و کم درآمد باید از حقوق ماهانه مکفی و در حد داشتن یک زندگی قابل قبول برخوردار باشد. درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن حق مسلم همه مردم است.

سال ۱۴۰۰ بنا بر آمارهای دولتی ۷۶۴ کارگر در سوانح کاری کشته و ۹۴۴۱ نفر دچار مصدومیت شدند. آمار واقعی فراتر از این ارقام است. محیط های کار به قتل گاه کارگران تبدیل شده است و اینها همه قربانیان سودجویی های سرمایه داران مفتخور و دولت حامی آنها هستند. پایان دادن به این کشتار و امن شدن محیط های کار یک خواست فوری کارگران است. این موضوعی است که باید به بحث کارگران در مجامع عمومی آنها در تمام مراکز کاری تبدیل شود و مواردی که موجب نقض ایمنی محیط کار و رساندن آسیب جسمی و روحی به آنان میشود فوراً و رسماً به کارفرمایان مفتخور اعلام شود و کارگران خواستار رفع فوری خطرات ناشی از کار شوند. حق کارگران است که تا وقتی به خاطر عدم ایمنی محیط کار جانشان و سلامتی شان در خطر است کار را تعطیل کنند و اعلام کنند که تا وقتی این مشکلات رفع نشود سر کار حاضر نخواهند شد.

سال ۱۴۰۰ طبق آمار دولتی ۳۱۶۷۲ کارگر از معوقات مزدی خود خبر دادند. این تعداد دستکم ۱۳۱۷ ماه حقوق طلبکار بودند. نپرداختن دستمزدها یک معضل عمومی در سطح جامعه یک جنایت آشکار است. نپرداختن دستمزدها بخشی از بساط چپاولگری سرمایه داری مفتخور است. یک محور مهم اعتراضات کارگری به تعویق پرداخت دستمزدها و این شکل آشکار دزدی و چپاول است. در این اعتراضات کارگران با شعارهایشان کل بساط سرمایه داری مافیایی چپاولگر حاکم را به چالش میکشند. اعتراضات گسترده بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده به فضای اعتراضات سراسری در شهرهای مختلف دامن زده است. نیشکر هفت تپه همواره یکی از سنگرهای مهم علیه تعویق پرداخت دستمزدها بوده است. دستمزدهای معوقه باید فوراً پرداخت شود و به کارگران خسارت دیرکرد پرداخت گردد.

اجتماعی در سطح کشوری است. تروریسم دولتی؛ حمایت مالی و نظامی از دستجات ریز و درشت اسلامی در سطح جهان؛ باند بازی، تسلط مافیایی سپاه و بیت رهبری بر بنگاه ها و منابع اقتصادی و اقتصاد دزدسالار، ماهیت حکومت

اسلامی است. به این معنا مشکل این رژیم، سیاسی است، نه اقتصادی. شرط لازم ایجاد جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و شاد سرنگونی رژیم اسلامی توسط جنبش انقلابی توده های مردم است. آن روز دور نیست!

از صفحه ۲

سال ۱۴۰۱ و چشم انداز...

کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و بخش های دیگر و همینطور مادران دادخواه. من فراخونم اینست که برای اینکه ما بتوانیم مقابله محکمی با این وضعیت بکنیم، باید با یکپارچگی برویم سراغ اول ماه مه. اول ماه مه را به عنوان روز کارگر، بعنوان روز خودمان در مقابل حکومت برپا بداریم، جشن بگیریم، تجمع کنیم، بیانیه بدهیم و این شروعی باشد برای ادامه اعتراضات سراسری تر و گسترده تر و تحمیل خواستههایمان به جمهوری اسلامی. من بسیار امیدوارم که این اتفاق خواهد افتاد. چون همین الان شاهد به هم پیوستن اعتراضات هستیم و این را در اعتراضات معلمان و بازنشستگان و بخش های دیگر جامعه می بینیم. من امیدوارم در چشم اندازی که در پیش است شاهد موجی از اعتراضات همزمان و متحدانه برای یک زندگی مرفه، برای منزلت، معیشت باشیم. با چنین اعتراضات متحدانه و گسترده ای قطعاً میتوانیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور را عقب برانیم.

میثم عتیق ممنون کاظم نیکخواه که در این برنامه شرکت کردید.

اسلامی و سیاست ها و دزدی ها و اختلاسهایش نشود، برجام و قیمت نفت و همه این پولها به حفره های عمیقی که در حکومت وجود دارد جذب خواهد شد. این را مردم میدانند و دیده اند و می شناسند. در نتیجه اگر مقابله جدی ای خود مردم صورت ندهند، وضعیت اقتصادی مردم با وضعیت حکومت فلاکتبار تر خواهد شد. چون بلافاصله قیمت ها بالا میروند. همین الان که نفت بالا رفته و هنوز فروش نرفته قیمت ها بسرعت افزایش یافته است. و سیر صعودی دارد. مردم این را در همین ایام خریدهای نوروزی بیان میکردند. میخواهم بگویم که وضعیت به لحاظ اقتصادی از سال قبل بسیار سخت تر خواهد بود. مگر اینکه ما مردم کاری بکنیم.

اشاره کردید به اول ماه مه روز جهانی کارگر اول ماه مه یکی از روزهای مهم است. این روز کارگر است، روز اعتراض است، روز رفاه طلبی است، روز حق طلبی است و در نتیجه همانطور که جامعه دارد از اعتراض میجوشد این اعتراضات باید در اول ماه مه به هم پیوندند. اول ماه مه میتواند حلقه واسط و پیوندی باشد بین اعتصابات و اعتراضات

اعتراف خامنه ای به شکست اقتصادی رژیم

سیاوش آذری (برگرفته از ژورنال شماره ۶۵)

می خواند و خواست وی مبنی بر "ایجاد امید دشمن شکن" در میان مردم و پایان دادن به "نزاع بین آحاد ملت و مسئولان" نشانگر وحشت خامنه ای از عمق نارضایتی و نفرت مردم از حکومت اسلامی است. مشکل رژیم، چنانچه خامنه ای خام اندیشانه می پندارد با "بهره وری بیشتر" و "تقویت تولید" قابل حل نیست. اسلام سیاسی، یکی از عوامل اصلی تشنج سیاسی در سطح منطقه ای و بین المللی و بی ثباتی سیاسی، حقوقی و

خامنه ای در سخنرانی نوروزی خود با تاکید بر "اهمیت اقتصاد" و ذکر اینکه "در ده سال گذشته با انباشت چالش های اقتصادی مواجه بوده ایم" اعتراف کرد که کشتی اقتصاد رژیم به گل نشسته است. به این ترتیب "رهبر فرزانه" این حقیقت را تایید نمود که اقتصاد دزدسالار رژیم حتی قادر به تامین نیازهای یک اقتصاد سرمایه دارانه متعارف نیست.

اعتراف بر اهمیت اقتصاد از زبان جانشین خمینی که اقتصاد را "مال خر"



با کودک همسری، پایان دادن به اختلاس و دزدیها، داشتن حق تشکل، تجمع و اعتراض و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی تمامی زندانیان سیاسی، اعتراض به زندان و اعدام و سرکوبگری های حکومت و بلند کردن فریاد دادخواهی و بالاخره تاکید بر آلترناتیو اداره شورایی، هم اکنون محور های سراسری اعتراضات و مطالبات اعلام شده همه بخش های جامعه را تشکیل میدهد که همواره در قطعنامه ها، بیانیه ها و اعلام همبستگی ها از مبارزات یکدیگر انعکاس یافته است. به این اعتبار پیوند عمیقی بین اعتراضات بخش های مختلف طبقه کارگر و ۹۹ درصدی های جامعه ایجاد شده که خود را مستقیماً در خواستها و مطالبات سراسری بیان میکنند. بر محور این خواستها و مطالبات سراسری میشود یک اول مه بزرگ، باشکوه و سراسری را شکل داد. میشود بیانیه های مشترک داد و صف قدرتمندی از اعتراض و مبارزه را به نمایش گذاشت.

از همین رو گفتمان بر سر این موضوعات و بر سر خواستها و مطالبات سراسری یک حلقه مهم برای جلب حمایت اجتماعی همه بخش های مختلف جامعه برای تبدیل اول ماه مه به یک روز سراسری اعتراض همه مردم است.

به استقبال اول مه روز جهانی کارگر برویم

اجتماعی دیگر را به تجربه دیده ایم. هشت مارس امسال جلوه ای از آن بود. هشت مارس که به نقطه اتحاد جنبش های مختلف اجتماعی در سطح جامعه این را برجسته تر و شفاف تر. تبدیل شد. در روز جهانی کارگر باید شاهد باشیم خلاصه کلام اینکه تحولات سطح شورانگیزی در مبارزات مردمی در جامعه در جریان است و در متن چنین شرایطی است که به استقبال برگزار میرویم روزی که بنا بر . جهانی کارگر میرویم تعریف روز اعتراض به همه وجوه مصائب سرمایه داری حاکم است و میتواند به روز تجمعات بزرگ اعتراض و جشن قدرت مردم بخاطر دستاوردهایی که در مبارزات خود داشته اند تبدیل شود.

خواستهای مشترک و سراسری

اعتراضات مشترکی کل کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان تحت ستم و مادران دادخواه و کل مردم محروم را به هم پیوند میدهد. اعتراض به زندگی زیر خط فقر با بلند کردن پرچم افزایش حقوقها متناسب با نرخ واقعی هزینه های زندگی و از جمله خواست افزایش حقوقها به بالای ۱۶ میلیون یکی از آنهاست. بعلاوه آموزش و پرورش با کیفیت، غیر کالایی، غیر ایدئولوژیک، شاد، انسانی و رایگان و تحقق بخشیدن به پایان دادن به کار کودک، حقوق پایه برای همه کسانی که در آبدی ندارند و یا کم در آمدند و بطور مشخص کارگران بیکار، درمان کارآمد و رایگان، داشتن حق مسکن مناسب، پایان دادن به آپارتاید جنسی، مقابله و مخالفت

۱۴۰۰ کوبید. در ادامه این پیشروی ها اول ماه مه امسال میتواند به یک روز بزرگ قدرتمندی طبقه کارگر و کل مردم در برابر سرمایه داری مافیایی حاکم تبدیل شود. به عبارت روشنتر جنبش کارگری در حرکت رو به پیش خود به مرکز ثقل اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف جامعه علیه بساط سرمایه داری وحشی حاکم تبدیل شده است. بنابراین تجلی این اتفاق را در مناسبتی چون روز جهانی کارگر و گرامی داشت قدرتمند و سراسری آن میتوان و باید دید. با اتکا به چنین قدرتی باید به استقبال روز جهانی کارگری رفت و این روز را به یک روز مهم مبارزاتی و به نقطه عطفی در جنبش برای سرنگونی حکومت اسلامی تبدیل کرد.

هم اکنون یک جنبش کارگری فعال و رزمنده در میدان است. در این میان بخش های مختلف کارگری از جمله کارگران در مراکز کلیدی ای چون نفت و در شهرداری ها، آتش نشانی ها، مخابرات، راه آهن و در کارخانجات بسیاری در اعتراض به فقر و بی تمانی هر روزه در مراکز چون . اعتراض و مبارزه هستند نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز بخاطر مبارزات شکوهمندی که داشته اند، جایگاه ویژه ای پیدا کرده اند و یک بخش مهم از جنبش کارگری معلمان هستند که بخاطر مبارزات قدرتمند و درخشان خود بویژه در یکساله اخیر در فضای سیاسی کل جنبش کارگری و کل جامعه نقش معلمان میتوانند یکی از آفرین بوده اند بانان اول مه گسترده و توده ای امسال در نیروی دیگر آماده . سطح سراسری باشند برای اعتراض در چنین روزهایی بخش دیگر خانواده . بازنشستگان هستند های دادخواه هستند که شجاعانه در جلوی صحنه همه مبارزات قرار دارند و در چنین روزهایی پشیمان و صدای آزادیخواهی، برابری طلبی و دادخواهی کل جامعه بوده اند

از سوی دیگر ما پیوند عمیق جنبش و جنبش های نوین زن با جنبش کارگری

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، مصادف با روز ۱۱ اردیبهشت است و فرصت زیادی به این روز نمانده است. اول مه روز جهانی کارگر اساساً روز کيفرخواست علیه سرمایه داری و تمام مصائب آنست. به این اعتبار روز همه مردم و اعتراض سراسری در کل جامعه است. به عبارت روشنتر اول مه روز اعتراض همه کارگران، همه معلمان، همه بازنشستگان، همه پرستاران، روز اعتراض مدافعین حقوق کودک، حقوق زن و معترضین به تخریب محیط زیست و کل جامعه است. روز اعتراض همه انسانهایی است که در این جامعه زندگی میکنند و اعتراضی دارند و خواستار پایان دادن به جهنم حاکم هستند، اعم از زن و مردم. اول مه را باید اجتماعی و سراسری برگزار کرد و این روز را به روز اعتراض کل جامعه تبدیل کرد.

در ایران اول مه بهترین فرصت برای ابراز خشم و اعتراض همه بخش های جامعه علیه توحش و بردگی سرمایه داری حاکم در سطح سراسری است. روز اعلام کيفرخواست مردم علیه کل بساط سرکوب و جنایت حاکم است. روز زدن توی دهن خامنه ای هاست که چپاول ها کرده اند و در اوج بی تمانی و فقر جامعه پیام نوروزی شان ادامه این وضع فلاکت بار به مردم است.

جنبش کارگری امروز در ایران در جلوی صحنه همه این اعتراضات قرار دارد. با عروج خود بویژه در چند ساله اخیر گفتمان های چپ و رادیکال را جلو آورده و خواستهای کل جامعه را نمایندگی کرده است. الگو و آلترناتیو شورایی را مقابل جامعه قرار داده است. در حرکت روبه جلوی جنبش کارگری ما شاهد جلو آمدن هر روز بیشتر خواستهای سراسری و شعارهای ضد سرمایه داری در کف خیابان بوده ایم. این پیشروی ها مهر خود را بر جنبش سرنگونی در ایران و خیزش های مردمی در آبان ۹۸ و اعتراضات مردمی در اصفهان و خوزستان در سال

از صفحه ۵

موردهای مورد تاکید برای...

ها و پمپاژ درمدیای اجتماعی یک شکل موثر گفتمان سازی حول روز جهانی کارگر است. - از همه فعالیت ها فیلم و عکس تهیه کنید و برای ما بفرستید گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

را باید به رنگ اعتراضی روز جهانی اول ماه مه در آوریم - به راه انداختن طوفانهای تویتری و پمپاژ شعارهای اعتراضی و خواستها به مناسبت این روز. تدارک هشک های ویژه اول مه و تهیه پست های مناسب برای این هشک

محورهای مورد تاکید برای برگزاری یک اول مه با شکوه



مبارزات خود را به مناسبت روز جهانی

کارگر در مدیای اجتماعی ارائه دهند.

-پخش شیرینی و شکلات به مناسبت

روز جهانی کارگر و جشن گرفتن آن در

تمام محلات و در پارک ها و برافراشتن بنر

گرامیداشت این روز در همه جای یک شکل

توده ای و اجتماعی برگزاری روز جهانی

کارگر است. همچنین میتوان اول مه را در

مترو ها و اماکن عمومی مختلف جشن

گرفت و با پخش شیرینی این روز را به

همه شادباش گفت و صحبتی کوتاه در

مورد این روز اعتراض جهانی داشت.

- دانشجویان یک نیروی مهم برگزاری

روز جهانی کارگری هستند و از هم اکنون

تدارکش را ببینند و در همراهی با بخش

های مختلف کارگری و کل جامعه نقش

آفرین باشند.

- برگزاری کنفرانس هایی در تدارک روز

جهانی کارگر و برنامه ویژه روز جهانی

کارگر در کلاب هاس ها و در گروه های

مدیای اجتماعی. فراخواندن بخش های

مختلف جامعه به این کنفرانس ها به

عنوان ظرفی برای متحد شدن و هم سخن

بودن ابزار دیگری برای اجتماعی برگزار

کردن روز جهانی کارگر است.

-پیام های کوتاه از سوی کارگران، فعالین

و رهبرانی کارگری و نیز از سوی بخش

های مختلف جامعه و پخش آن در سطح

مدیای اجتماعی یک گام مهم در برگزاری

یک اول مه توده ای و اجتماعی است.

-گذراشتن برنامه های اجرای موزیک و

تئاتر در کنار خیابان یک شکل زیبای

برگزاری روز جهانی کارگر میتواند باشد.

برجسته کردن موضوع کارگران زندانی و

زندانیان سیاسی و خواست آزادی آنها

- نوشتن شعار فضای محلات و شهرها

صفحه ۴

۹- معلمان میتوانند یکی از تجمعات سراسری و بازنشستگان یکی از تجمعات زنجیره ای خود را در روز جهانی کارگر برگزار کنند و همه بخش های مختلف کارگری، معلمان، پرستاران، و نیز دانشجویان و بخش های دیگر در آن شرکت وسیع داشته باشند.

۱۰- قطعنامه ها و بیانیه های مشترک کارگری نمایشگر صف متحد مبارزاتی بخش های مختلف کارگری و مردم معترض در سطح جامعه و شکلی از قدرتمندی کارگری در اول مه است. باید تلاش کرد که بخش های مختلف طبقه کارگر از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و نیز بخش های مختلف جامعه از جمله دانشجویان، نهادهای مختلف دفاع از حقوق زن، حقوق کودک، محیط زیستی و فعالین اجتماعی را به حمایت از قطعنامه های ویژه اول مه مه جلب کنند. ترجمه انگلیسی قطعنامه ها را به اتحادیه های کارگری فرستاد و خواستار حمایت شد.

۱۱- گروه های مختلف مبارزاتی معلمان، بازنشستگان و تشکلهای کارگری و نیز دانشجویی و فعالین جنبش رهای زن در مدیای اجتماعی در روز اول مه باید رنگ این روز را بگیرد و در آنها قطعنامه ها، بیانیه ها و پیام های روز جهانی کارگر و اخبار برگزاری این روز از جاهای مختلف به نمایش درآید.

۱۲- تهیه پوسترهای ویژه اول مه مه، نوشتن خواستها بر روی پوسترهای مختلف با هشتگ زنده باد اول مه روز جهانی کارگری و ارسال زنجیره ای آن به ارتباطات اجتماعی خود یک شکلی از فراگیر کردن گرامیداشت روز جهانی کارگر است.

۱۳- ارائه نمایشگاهی از عکس های مبارزات کارگری بصورت آن لاینی، یک ابتکار جالب برای گرامیداشت اول مه مه روز جهانی کارگر است. از جمله بازنشستگان، معلمان، کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران نفت میتوانند بصورتی کلیبی تصویری صحنه های درخشان

ماه را بعنوان یک روز مهم اعتراض در تمام محیط های کاری از جمله در تمام کارخانجات، بیمارستانها، دانشگاهها، در میان معلمان و کارکنان بیمارستان ها و در همه جا به راه انداخت و با ابتکارات مختلف به استقبالش رفت. بنر گرامیداشت اول مه مه، روز جهانی کارگر باید زینت بخش سر در همه کارخانجات و مراکز کاری باشد.

۵- اول مه مه فرصتی است که کارگران در تمام مراکز میتوانند خواستهای اعتراضی خود را بصورت بیانیه ویژه این روز اعلام کنند و علاوه بر تجمعات در خیابان، در محیط کار خود نیز این روز جهانی را گرامی بدارند. بنر های روز جهانی کارگر باید بر سر در همه مراکز کارگری و همه جا بدرخشد.

۶- مراکز نفتی و موسسات وابسته به آن، کارخانجات و مجتمع های بزرگی چون نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، معادن، ایران خودرو، همه و همه از جمله مراکز هستند که انتظار میرود که به کانون های داغ برگزاری اول مه مه تبدیل باشند.

۷- روز جهانی کارگر، روز فقط کارگران نیست. روز همه مردم است. گرامیداشت این روز را باید به گفتمان طیف های وسیع و مختلفی از مردم و موضوع بحث در میان همه خانواده و مردم در محل و بر سر کار تبدیل کرد. از جمله مادران دادخواه، زندانیان سیاسی، فعالین حقوق زن، فعالین محیط زیست و حقوق کودک و دانشجویان میتوانند نقش مهمی در گرامیداشت روز جهانی کارگر داشته باشند.

۸. برگزاری مراسم های آن لاین به مناسبت روز جهانی کارگر و فراخوان به همه مردم به شرکت در آنها، پیام های صوتی- تصویری کوتاه در گرامیداشت روز جهانی کارگر از سوی این کارگران، انتشار بیانیه ها و قطعنامه های مشترک از سوی کارگران و همه این بخش ها، اشکال مختلف حضور وسیع همه بخش های جامعه در گرامیداشت این روز بزرگ جهانی است.

۱- اول مه را به سرآغاز شکل گرفتن اعتراضات متحد بخش های مختلف کارگری و کل جامعه حول خواستها و اعتراضات سراسری تبدیل کنیم. فراخوان مشترک بخش های مختلف کارگری و دیگر بخش های معترض در سطح جامعه با قطعنامه ها و بیانیه های مشترک در گرامیداشت روز جهانی کارگر گامی در این جهت است. اول مه میتواند به یک روز قدرت نمایی سراسری علیه بختک جمهوری اسلامی در این آغاز سال تبدیل شود.

تحرك ۲- مبارزاتی در محیط های کارگری و مشخصا مراکز نفتی و مجتمع های بزرگ، اعتراضات معلمان، تجمعات سریالی بازنشستگان، از جمله اولیما توم های بخش های مختلف کارگری چون کارگران پیمانی نفت، معلمان، بازنشستگان، و بخش هایی چون کارگران راه آهن و در کنار همه اینها جنبش افزایش دستمزدها در کنار جنبش قدرتمند دادخواهی، جنبش نوین زن، جنبش دفاع از حقوق کودکان، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش علیه اعدام، جنبش علیه تخریب محیط زیست، همه و همه میتوانند بستر اصلی شکل دادن به یک اول مه قدرتمند و سراسری باشند و زمینه برای چنین اتفاق شورانگیزی کاملاً مهیا است

۳- اول مه را با برپایی تجمعات و مراسم ویژه روز جهانی کارگر به روز تعطیلی عمومی تبدیل کنیم. با توجه به تجربه تجمعات بزرگ و سراسری معلمان در سطح سراسری، تجربه یکشنبه های اعتراض و اعتراضات هر روزه کارگری در شهرهای مختلف با جمع شدن همه این نیروها میتوان به تدارک برگزاری تجمعات سراسری روز جهانی کارگر رفت و هر چه با شکوه تر این روز را گرامیداشت. در هر کجا و هر بخشی از کارگران میتوانند به سهم خود برای برگزاری مراسم اول مه مه تدارک ببینند و بدینگونه نقشی در سراسری شدن این روز جهانی داشته باشند.

۴- از هم اکنون باید گفتمان برگزاری اول

میزان های بدنی نیمه جان

بهروز برزو

علی خامنه‌ای طبق معمول هر ساله بعد از نام‌گذاری سال جدید، سخنانی در رابطه با این نام‌گذاری و تشریح به اصطلاح نقشه‌ی راه سال جدید را بیان کرد. هرچند این دست سخنرانی‌ها معمولاً با میزان زیادی کلی‌گویی‌های شعاری همراه است اما سرنخ‌هایی از استراتژی، برنامه و آرایش طبقاتی درون بورژوازی را به میزانی آشکار می‌کند. این سخنرانی به دو بخش مسائل داخلی و بین‌المللی تقسیم شده است. در رابطه با موضوعات بین‌المللی و مشخصاً در رابطه با جنگ اوکراین، وضعیت افغانستان و جنگ یمن، رهبر ایران با وقاحت تمام به وجود نژادپرستی، ظلم و ستم موجود در جهان اشاره می‌کند و در اعتراض به این وضعیت خود را در مقام پیامبری مصلح که خواهان پایان جنگ و غارت است معرفی می‌کند. این میزان از وقاحت در تاریخ فقط از عهده‌ی جلادین و غاصبان جان و زندگی مردم برمی‌آید که رهبر جمهوری اسلامی نیز بی‌شک یکی از چهره‌های اصلی آن است. مردم ایران فراموش نخواهند کرد که مقامات رسمی از جنگ هشت ساله به عنوان نعمتی برای کشور یاد می‌کردند و یا در رابطه با تحریم‌ها دقیقاً همین عبارت را مطرح کرده‌اند. جنگ و تحریم‌هایی که باعث نابودی زندگی مردم و تقویت پایه‌های نظام سیاسی موجود شده است. فردی از ظلم و ستم حاکم بر جهان ابراز نارضایتی می‌کند که رهبری نظامی را به عهده دارد، که مردم آن کشور دائماً به حقوق‌های نجومی، اختلاس، دستمزدهای معوق، تبعیض جنسیتی، سانسور، ممنوعیت ایجاد تشکل مستقل، عدم امنیت و به طور کلی فقر، نابرابری و اعمال سرکوب، معترض هستند. تورم افسار گسیخته، زنجاری، فساد سیستماتیک، بحران محیط زیست، دستگیری فعالین اجتماعی، کشتن زندانیان سیاسی و بی‌شمار ظلم دیگر، از نظر رهبر جمهوری اسلامی قابل طرح در سخنرانی نوروزی نیست و صرفاً

باید به بخشی از ظلم‌های جاری در جهان، آن هم از زاویه منافع بین‌المللی حکومت و در راستای سیاست‌های متحدین جهانی خود صحبت شود. از بمباران مردم مظلوم یمن یاد می‌شود در حالی که از جنایت‌های سپاه و فرماندهان آن در عراق، سوریه و حتی خود یمن صحبتی به میان نمی‌آید. در حالی که اعداد 80 نفر در عربستان اشاره می‌شود که طبق گزارشات نهادهای بین‌المللی، ایران هر ساله در بین 3 کشور اول دنیا در زمینه‌ی تعداد افراد اعدام شده است. نهایتاً تاکید بر جنگ اوکراین و نژادپرستی حاکم در اروپا، بدون اشاره به تهاجم روسیه. رهبر نظام اسلامی لازم نمی‌بیند که به نقش متحد خود در اشاعه و تداوم این جنگ خون‌بار اشاره کند. لازم به ذکر است توحش حاکم بر جهان سرمایه‌داری و اعمال غیر انسانی دولت‌های سرمایه‌داری بر کسی پوشیده نیست اما طرح یک جنبه‌ی مصلحتی و فلاکت‌های موجود، از جانب رهبر حکومتی که از سویی تابع هارترین شکل سرمایه‌داری جهانی بوده و از سوی دیگر به شکلی وحشیانه اقدام به سرکوب و کشتار می‌کند، از جمله کمدهای تلخ تاریخ است.

خامنه‌ای در رابطه با وضعیت داخلی کشور، بر موضوع اقتصاد تاکید می‌کند. کلید واژه‌های این بخش «اقتصاد دانش بنیان»، «بهره‌وری» و «حمایت از تولید داخلی» است. این گزاره‌ها از جمله سرنخ‌هایی است که بیان‌کننده‌ی سیاست‌های کلی نظام در سال آینده (البته فارغ از میزان تحقق آن) خواهد بود. اما منظور رهبر حکومت از این واژگان چیست؟ مختصراً با اشاره به خود سخنرانی و البته بیان تناقضات حاکم بر آنها، با توجه به وضعیت جاری کشور می‌پردازیم. خامنه‌ای در رابطه با تعریف و مزیت اقتصاد دانش بنیان می‌گوید: «اقتصاد دانش بنیان یعنی چه؟ یعنی اینکه دانش و فناوری پیشرفته نقش آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد در همه‌ی عرصه‌های

تولید... اگر ما این سیاست را دنبال کردیم و دانش را پایه و زمینه‌ی اقتصاد کشور قرار دادیم و بنگاه‌های اقتصاد دانش بنیان را افزایش دادیم، منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. یعنی اقتصاد دانش بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید میشود، بهره‌وری را افزایش می‌دهد، حجم محصول افزایش پیدا میکند، کیفیت بالا می‌رود، قیمت تمام‌شده کاهش پیدا میکند، در واقع دانش بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی را ارتقاء می‌دهد». این جملات در ادامه به دستوراتی برای افزایش تعداد این شرکت‌ها و در اختیار گذاشتن امکانات توسط دولت برای تسهیل در تأسیس و توسعه‌ی شرکت‌های دانش بنیان، ختم می‌شود. لازم به یادآوری نیست که در چارچوب نظام موجود، پیشبرد این چنین اهدافی صرفاً توهمی خام اندیشانه است، اما موضوع شرکت‌های دانش بنیان در سال‌های اخیر به یکی از لفاظی‌های همیشگی دولت‌ها تبدیل شده و در واقع این پیامی روشن برای سرمایه‌داران وابسته به حکومت، اختلاس‌گران و بازوهای اقتصادی نهاد‌های سرکوبگر است. به عبارتی سرمایه‌گذاری در قالب این شرکت‌ها دارای مزیت‌هایی از جمله معافیت‌های مالیاتی، خارج شدن از حوزه ارزیابی نهاد‌های به اصطلاح نظارتی و از همه مهمتر انعطاف‌پذیری کامل یا عدم محدودیت در زمینه‌ی قوانین کار و استخدام نیروی انسانی است. به این ترتیب جولانگاه جدیدی برای فساد، پولشویی، بهره‌برداری از رانت حکومت و سرکوب مزدی طبقه کارگر فراهم خواهد شد. اشاره به افزایش بهره‌وری و کاهش

قیمت تمام شده دقیقاً از همین زاویه است. بنگاه‌هایی که با توجه به میزان نزدیکی به حکومت از وام‌های بانکی، معافیت مالیاتی و پرداخت دستمزدی حتی کمتر از حداقل قانونی بهره‌مند خواهند بود و در واقع از جیب مردم به منویات مورد نظر رهبر حکومت جامه عمل می‌پوشانند. بنا به ماهیت جمهوری اسلامی و بر اساس گزارش‌های رسمی سانسور شده که در سال‌های اخیر به موضوع بدهکاران بانکی پرداخته است، احتمالاً در سال جدید امکان دریافت وام‌های بی‌قاعده که معمولاً بازپرداختی نخواهد داشت و البته در بیشتر مواقع صرف اموری به غیر از تولید می‌شوند، افزایش خواهد یافت. فعالیت اقتصادی که از بودجه‌ی عمومی وام دریافت کرده و کمترین میزان دستمزد را بعد از کسر مالیات و بیمه به کارگر (آن هم در بهترین حالت) پرداخت می‌کند و تا سال‌ها از پرداخت مالیات معاف است، چه مزیتی برای مردم کشور خواهد داشت؟ در فاسد بودن کل ساختار حکومت و نظام مالیاتی هیچ تردیدی نیست اما همین قوانین نصفه و نیمه هم در مورد این شرکت‌ها کنار گذاشته می‌شود که نتیجه‌ای جز افزایش ثروت اقلیتی در برابر فلاکت و فقر روز افزون اکثریت جامعه نخواهد داشت. در اصل نام گذاری سال جدید اسم رمزی است، حاوی وعده‌ی چپاول بیشتر به بورژوازی و فلاکت بیشتر برای مردم.

رهبر حکومت در ادامه به موضوع کشاورزی و خودکفایی در زمینه تولید محصولات غذایی می‌پردازد: «مسئله‌ی کشاورزی مهم است، مسئله‌ی دامداری بسیار مهم است و کشور در محصولات



عزفوردین: تجمع اعتراضی کشاورزان شرق و غرب اصفهان

کشاورزان بر ادامه اعتراضات تا رسیدن به خواسته‌ها تاکید دارند



برگرفت و به حرکت‌های حمایتی در دیگر استانها دامن زد. جمهوری اسلامی با سرکوب و دادن وعده و وعید، تجمعات اصفهان را عقب راند. اما کشاورزان و مردم معترض این شهر فعالانه پیگیر خواسته‌هایشان هستند و با مواجه شدن با وعده‌های عملی نشده، امروز با شعار حق‌گرفتنی است پیگیر مطالبات پاسخ‌نگرفته خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ فروردین ۱۴۰۱، ۲۶ مارس ۲۰۲۲

است پیگیر مطالباتشان هستند. حقایق و جاری شدن دائمی آب به زاینده رود در راس مطالبات کشاورزان و مردم اصفهان است. صدها هزار نفر از کشاورزان به همراه خانواده‌ها و بخشهای دیگر مردم در آبانماه سال گذشته در بستر زاینده رود در اصفهان در اعتراض به خشک شدن این رود و نابودی کشت و زندگی و معیشت خود و تأثیرات مخرب این وضعیت بر زندگی همه مردم دست به اعتراض زدند. تحصن یکماهه آنها در آن مقطع یک نقطه درخشان از اعتراضات مردمی در اصفهان علیه کل حکومت بود که تمام شهر را در

کشاورزان میرسد به هیچ وجه کفاف کشت و محصول نمیدهد. آنها خواستار به رسمیت شناخته شدن فوری حق آبه خود و رفع مشکلات معیشتی شان هستند. کشاورزان میگویند یک عمر است که با مشکلات معیشتی درگیرند و ۲۰ سال است که دارند آنها را با وعده و وعید بازی میدهند و جواب اعتراضاتشان در سال گذشته را با تهدید و زندان و ساچمه و نیروی انتظامی دادند. اکنون کشاورزان با برپایی تجمع حرفشان اینست که دیگر دوران این بازی‌ها تمام شده و آنها و مردم اصفهان تجربه زیادی طی این دو دهه آموخته‌اند و با تاکید بر اینکه حق‌گرفتنی

امروز ششم فروردین ۱۴۰۱ کشاورزان به جان آمده در استان اصفهان از شرق و غرب در اعتراض به بساط چپاولگری مافیای آب و ادامه مشکلات کشاورزی و معیشتی خود در مقابل جهاد کشاورزی در خیابان منوچهری تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی آنها فریاد خود را علیه وعده‌های پوшالی بلند کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. به گفته کشاورزان مافیای آب و دستگاه امنیتی پشت پرده حامی آنها و بساط دزد بازار پشت پرده زندگی و کشت آنها را به نابودی کشانده است. گفته میشود در حالیکه آب را به زاینده رود جاری کرده‌اند، اما آبی که به

جامعه نیز تنها راه غلبه بر این وضعیت را در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای بدیل دنبال می‌کند. موج‌های اعتراضات توده‌ای و سراسری در آینده، نوید به انتها رساندن این نظام سراسر ظلم و فساد را می‌دهد. در این مرحله ضرورت مبارزاتی ایجاب می‌کند که با تمام توان بر سرنگونی جمهوری اسلامی و عدم تحقق خواسته‌ها و مطالبات تمام بخش‌های جامعه تا زمانی که این نظام برقرار است، تاکید شود و همزمان تدارک هر چه بیشتر مبارزه‌ای همه‌جانبه و متحدانه بر علیه حکومت سرمایه‌داری اسلامی در دستور کار قرار گیرد.

است. سالی که با اعتصابات پردامنه و سراسری، اعتراضات تهاجمی گسترده و افزایش هر چه بیشتر نارضایتی به پایان رسید. طبیعتاً ادامه‌ی این وضعیت برای حکومت بسیار وحشتناک خواهد بود، روند امور جاری و مجموعه سیاست‌های موجود که به طور مشخص در بودجه سال جاری و حداقل دس‌م‌زده ۱۴۰۱ قابل تشخیص است، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در وضعیتی خاص و برگشت‌ناپذیر قرار گرفته که هیچ راه حلی برای کنترل و مهار بحران‌های موجود را در اختیار ندارد و به عبارتی بقای خود را در تداوم این بحران‌ها و سرکوب هم‌زمان اعتراضات دنبال می‌کند. از سوی دیگر

از صفحه ۶

مذیان‌های...

خوزستان از جمله آخرین نمونه‌ها هستند. احتمالاً در نظر رهبر حکومت خشک کردن جلگه‌ی خوزستان، اجرای طرح‌های فاجعه‌بار انتقال آب به مناطق مرکزی ایران برای تامین آب صنایع فولادی، ساخت سدهایی مثل گتوند که کل حیات در آن منطقه را با خطر مواجه کرده و بیشمار مثال دیگر در این زمینه، ربطی به حکومت تحت هدایت ایشان ندارد. در این رابطه جمهوری اسلامی از جمله خطرناک‌ترین نظام‌های سیاسی در ایجاد عدم امنیت غذایی برای مردم و نیز نابودی محیط زیست است.

پایه‌ی غذایی بایستی به امنیت کامل و به خودکفائی لازم حتماً دست پیدا کند. ما بایستی در مورد گندم، در مورد خوراک دام - ذرت، جو، امثال اینها - و مواد اصلی تولید روغن به خودکفائی برسیم. باید در ذرت، در جو، در بقیه‌ی چیزهایی که کالاهای اساسی نامیده میشود، حتماً به خودکفائی برسیم... همچنین معضل کمبود آب را میشود حل کرد. در کشور ما آنچه معروف است و آنچه به طور معمول گفته میشود این است که ما دچار کمبود آب هستیم؛ خب اگر کشاورزی ما دانش‌بنیان شد، مشکل کمبود آب هم حل خواهد شد». در این سخنان چیزی جز یاهوگویی‌های یک ذهن زوال یافته، قابل مشاهده نیست. فقط یک دیکتاتور متوهم می‌تواند از خودکفائی غذایی حرف بزند در حالی که هر ساله با اعتراضات دامنه‌دار کشاورزان در نقاط مختلف کشور روبرو هستیم که به واسطه‌ی نبود آب و عدم فروش محصولات خود به خیابان‌ها می‌آیند. اعتراضات اخیر اصفهان و



از خوزستان چه خبر؟

۵ فروردین ۱۴۰۱



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

مشکلات بی پایان مردم آبادان

انباشت فاضلاب در کوچه ها و معابر و بوی نامطبوع ناشی از آن به مشکل دیرینه و جدی مردم آبادان تبدیل شده است. مردم آبادان سالها است با مشکلات عدیده‌ای همچون نامناسب بودن شبکه آبرسانی، برق، فاضلاب و گاز دست و پنجه نرم میکنند و حکومت و شهرداری کار جدی ای برای مقابله با این وضعیت انجام نمیدهند. ۷۲۰ کیلومتر شبکه فرعی و اصلی شبکه فاضلاب در این شهر وجود دارد که دست کم ۴۰۰ کیلومتر از این شبکه نیاز به بازسازی و نوسازی دارد. از سوی دیگر ۸۶۰ کیلومتر شبکه اصلی و فرعی آب آشامیدنی هم وجود دارد که ۴۶۰ کیلومتر آن با توجه به قدمت و فرسودگی نیاز به تعویض دارد.

مردم آبادان دیگر باوری به وعده و وعید ها ندارند و می گویند بارها مسوولان شهری، استانی و کشوری از وضعیت فاضلاب سرکشی کرده‌اند ولی از رفع مشکل فاضلاب این شهر خبری نیست. به گفته مردم این شهر به دلیل نبود شبکه فاضلاب در بیشتر مناطق آبادان، فاضلاب در جوی‌های روباز سطحی انباشته شده و شهرداری حاضر به نظافت و تمیز کردن جوی‌ها نیست.

بیشتر خیابان‌های منطقه سده، سی متری، فیه، بهمن، ذوالفقاری و جمشید آباد با مشکل فاضلاب روبرو هستند و هنگام بارندگی فاضلاب به خانه‌های مردم نفوذ می کند. گفتنی است که بسیاری از شهرهای خوزستان با این مشکلات روبرویند و اینها همه از جمله موضوعات خیزش مردمی در این استان در تیر ماه ۱۴۰۰ بود.

آتش در نیستان

در روزهای گذشته بخش‌های دیگری از باقی مانده تالاب هورالهویزه (هورالعظیم) در آتش سوخت.

ویدیویی در شبکه های اجتماعی منتشر شده که نشان می دهد برخی گونه های جانوری این تالاب از جمله لاک پشت فراتی که گونه ای کمیاب و در خطر نابودی است در اثر این آتش سوزی از بین رفته اند. تنها در خردادماه سال گذشته، بیش از سه هزار هکتار از بخش ایرانی تالاب هورالعظیم دچار آتش سوزی شده و از بین رفت.

این آتش سوزی ها عمدتاً یا توسط شرکت های نفتی برای سهولت در کار حفاری، ساخت و ساز و احداث تاسیسات و ایجاد خطوط انتقال صورت می گیرد و یا نهادهای امنیتی مرزبانی به بهانه رفت و آمد های به اصطلاح قاچاقچیان بخش های گسترده ای از این تالاب را به آتش کشیده اند.

هورالعظیم، آخرین بازمانده تالاب‌های بین النهرین است که یک سوم این تالاب در ایران و دو سوم در عراق واقع شده است. این تالاب که وسعتی بالغ بر ۱۲۰ هزار هکتار دارد علاوه بر این که نقش اساسی در کشاورزی و ماهیگیری اهالی منطقه داشته از اهمیت زیادی در پوشش گیاهی و جانوری برخوردار بوده که متأسفانه در اثر بی مسئولیتی مقامات حکومت و سود اندوزی و منفعت طلبی شرکت های نفتی متعلق به سپاه در حال نابودی کامل است. به نابودی کشاندن تالاب هورالعظیم بخشی از سیاست های تخریبی حکومتیان و بساط مافیایی سرمایه داری حاکم در محیط زیست است که بر وضعیت آب، هوا و کشاورزی این منطقه تأثیرات مخربی گذاشته است. یک موضوع اعتراض نهادهای دفاع از محیط زیست همین موضوع است

هجوم مافیای برنج به خوزستان

جمعه ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۰ خبری منتشر شد مبنی بر این که «مافیای برنج» تاکنون بیش از ۱۲۰ هزار هکتار از

زمین‌های قابل کشت در استان خوزستان را اجاره کرده و از هم اکنون که بیش از یک ماه تا آغاز فصل کشت برنج زمان باقی مانده تعداد بسیار زیادی قرارداد با شالی‌کوبی‌ها منعقد شده است. این در حالی است که در سالهای اخیر کشاورزان خوزستانی به بهانه کمبود آب و خشکسالی از کشت برنج، منع شده اند.

سود قابل توجه کشت برنج در مقایسه با سایر محصولات دلیلی شده تا مافیای برنج علیرغم ممنوعیت شالیکاری، با اتکا به نفوذ و قدرت خود، زمین‌های کشاورزی بسیاری را اجاره نماید. گفته می شود که کشت شلتوک در هر هکتار، ۲۰۰ میلیون تومان سود دارد، در حالی که سود کشت هر هکتار گندم تنها ۵ میلیون تومان است. بهمن ماه سال گذشته اعلام شد که دولت ابراهیم رئیسی برای یک دوره پنج ساله قرارداد سه میلیارد دلاری با قرارگاه خاتم سپاه منعقد کرده و بر اساس آن مقرر شده تا با همکاری سپاه طرح «خودکفایی در محصول برنج» به اجرا درآید.

از آن جا که نهادهای متولی توزیع آب در استان، قبلاً طی اطلاعیه‌هایی عنوان کرده بودند: «آبی در سد کرخه برای تامین نیاز شلتوک‌کاری فصل تابستان وجود ندارد.» اکنون این نگرانی ایجاد شده است که با ورود مافیای متعلق به سپاه به حوزه کشت برنج، تابستان پیش رو مردم و اهالی روستاهای پایین دست رودخانه های کارون، کرخه و دز با مشکلات بسیار جدی‌تری در تامین آب مورد نیاز خود روبرو شوند.

تیرماه سال گذشته در اعتراض به بحران آب و بی آبی که حکومت باعث و مسبب اصلی آن است دست کم در یازده شهر استان مردم به خیابان ها آمدند که در نتیجه آن تعدادی از معترضان کشته و زخمی شده و صدها نفر توسط دستگاههای امنیتی بازداشت و روانه زندان شدند.

تجمع معلمان در خوزستان در حمایت

از همکاران احضاری خود به دادگاه - روز ۲۵ اسفند جمعی از معلمان خوزستان به عنوان اعلام همبستگی، ۵ نفر از همکاران خود را که از سوی شعبه ۱۲ بازپرسی دادگاه اهواز احضار شده بودند همراهی کردند. معلمان احضار شده به اسامی بهینا بهمنی‌نژاد، شهریار شیروانی، سیامک چهرازی، اقبال تامرادی و کوبک بداعی در این روز در بازپرسی اسلامی حاضر شدند اما برگزاری جلسه دادگاه کذایی به بعد از تعطیلات نوروز موکول گردید. قبل از آن نیز در هفدهم اسفند معلمان این شهر در اعتراض به احضار همکاران خود به دادگاه با راهپیمایی سه همکار خود فرنگیس نسیم پور، علی کروشات و پیروز نامی را تا محل دادگاه همراهی کردند. تبدیل محل دادگاهها به محل تجمع اعتراضی شکل نوینی از اعتراض علیه پرونده سازی های امنیتی و دادگاهی کردن فعالین معترض و مطالبه گر است که معلمان پیشتاز آن هستند. نظیر همین حرکت اعتراضی در قزوین در جریان برگزاری دادگاه برای سه معلم معترض این شهر به اسامی

مریم زیرک، اسماعیل فرهنگ منش و علی اله بخش و در رودسر در ۲۱ اسفند در جریان دادگاهی شدن عزیز قاسم زاده از معلمان این شهر انجام گرفت. این چنین است که معلمان محکم در مقابل سرکوبگری های حکومت ایستاده و اعلام کرده اند که ارباب و تهدید ذره ای در عزم آنها برای پیگیری مطالباتشان خدشه وارد نخواهد کرد. یک خواست فوری معلمان آزادی همکاران زندانی، بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده و پایان دادن به پرونده سازی ها است. مقابله معلمان با سرکوبگری های حکومت الگویی برای همه جامعه است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

۵ فروردین ۱۴۰۱، ۲۵ مارس ۲۰۲۲

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

**به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!**

از مجمع عمومی در خیابان به سوی سازمان یابی شورایی

جعفر براهیمی معلم، برگرفته از مدیای اجتماعی



گشودند انتظار می‌رود سایر کانون‌ها و انجمن‌های موجود نیز به سمت برگزاری مجمع حرکت نمایند بی‌شک شکل‌گیری هسته فعالان صنفی در شهر و برگزاری مجمع عمومی یک گام به جلو و موفقیت محسوب می‌گردد و می‌تواند معلمان بیشتری را وارد عرصه کنشگری کند.

در اوایل دهه هشتاد ایجاد کانون‌ها و انجمن‌های صنفی و به تبع آن شورایی هماهنگی تشکلی‌های صنفی فرهنگیان ایران یک ضرورتی تاریخی بود و این تشکیلات تاکنون توانسته است در مطالبه‌گری معلمان کارنامه قابل قبولی از خود ارائه نماید هرچند ضعف‌ها و نقدهایی هم متوجه کنشگری دو دهه فعالان صنفی وجود دارد اما انجمن‌ها و کانون‌های صنفی باید به مدرسه به‌عنوان محیط کار و کانون اصلی تحولات توجه ویژه داشته باشند تا بتوانند تعداد بیشتری از معلمان را با خود همراه نمایند. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی بایستی یک گام روبه‌جلو برداشت و به سمت شکلی از سازمان‌یابی شورایی و از پایین به بالا حرکت نمود تا قدرت دخالت‌گری معلمان را افزایش یابد.

اعتراضات حضور دارند به‌نقد شورایی هماهنگی می‌پردازند اما به این مهم نمی‌پردازند که این شورا در یک‌روند صعودی میزان مشارکت را از ۵۰ شهر به ۲۰۰ شهر در عرض شش ماه رسانده



است. این به معنای نادیده گرفتن نقدها و ندیدن نیمه‌خالی لیوان نیست بلکه ارجاع دادن منتقدان به شرایط عینی و ملموس سیاسی حاکم بر کشور است. لذا ضروری است فعالان صنفی همان‌طور که منتظر مجوز دولت نمی‌مانند منتظر حضور تمام معلمان نشوند و در هر شهر هسته اولیه تشکلی‌های خود را شکل دهند و عضوگیری و گسترش تشکیلات را به‌عنوان یک برنامه جدی دنبال نمایند.

با توجه به مسیری که معلمان در فارس، کردستان، بوشهر و کرمانشاه

صنفی معلمان دیواندره در ماه‌ها و هفته‌های گذشته نشان داد که معلمان در سایر شهرها و استان‌ها نباید پشت اجازه وزارت کشور بمانند و باید جسورانه حتی

ماه‌هاست که معلمان ایران خیابان را به محل اعتراض و آموزش خود تبدیل نموده‌اند. معلمان با اعتراضات گسترده، منظم و هماهنگ با مطالبات مشخص و معین با فراخوان شورایی هماهنگی نشان داده‌اند که به‌عنوان بخشی از لایه پیشرو طبقه کارگر قادرند فراتر از شرح وظایف دیکته شده به وظایف انسانی، تاریخی و طبقاتی خود عمل نمایند و از حقوق خود دفاع نموده و حتی جامعه را تحت تأثیر قرار دهند و ظرفیت بالایی از تشکلی‌یابی را نشان دادند.

اما قصه مبارزه معلمان تنها به مطالبه‌گری برای مطالبات صنفی و آموزشی محدود نمی‌گردد بلکه معلمان نشان دادند که برای دفاع از کیان تشکلی‌یابی مستقل قادرند خیابان را تسخیر کنند و شکلی عینی و نوین از دموکراسی را محقق سازند.

شده خیابان و محل تجمع را به محلی برای برگزاری مجمع عمومی تبدیل نمایند.

کافی است انتخابات انجمن صنفی کردستان/سنندج با حضور بیش از ۱۰۰۰ فرهنگی را با کنگره احزاب و تشکلی‌های وابسته حکومتی مقایسه کرد تا معنای تشکلی مستقل و دارای پایگاه توده‌ای مشخص گردد. اگر نگاهی به کنگره احزابی که با رانت و حمایت حکومتی و با امکانات و سالن‌ها و پذیرایی آن‌چنانی برگزار می‌شوند نگاهی بیندازیم خواهیم دید که آنان قادر نیستند حتی ۱۰۰۰ عضو جذب نمایند و اکثر اعضا کسانی هستند که در رانت و قدرت شریک بوده و فاقد بدنه توده‌ای هستند.

برخی اما بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی و معضلات تشکلی‌یابی و سرکوب مستمر هر حرکت جمعی، در پی کوچک نشان دادن این دستاوردها هستند فعالی که نسبت افراد شرکت‌کننده در مجمع عمومی کانون تهران را با معلمان استان تهران مقایسه و آن را نکوهش می‌کند درک درستی از تشکلی‌یابی مستقل در دوره حاضر ندارد. این ایرادها حتی در مورد تجمعات باشکوه معلمان از سوی برخی فعالان صنفی مطرح می‌گردد آنان به خاطر اینکه تنها ۵ درصد معلمان در

برگزاری باشکوه مجمع عمومی انجمن صنفی معلمان کردستان/سنندج در خیابان، زیر شدیدترین تدابیر امنیتی در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ نشان داد که برای تشکلی‌یابی نیاز به کلاس‌های آموزشی نیست معلمان در جریان کنشگری و پراتیک به آگاهی طبقاتی می‌رسند و برای تغییر شرایط متحد می‌شوند و انجمن و کانون خود را شکل می‌دهند. مستقل از اینکه چه کسانی نامشان از صندوق بیرون آمده است منتخبان بار بزرگی بر دوش دارند آنان محصول یک نقطه عطف تاریخی در جنبش معلمان و جنبش تحول‌خواه مردم ایران هستند.

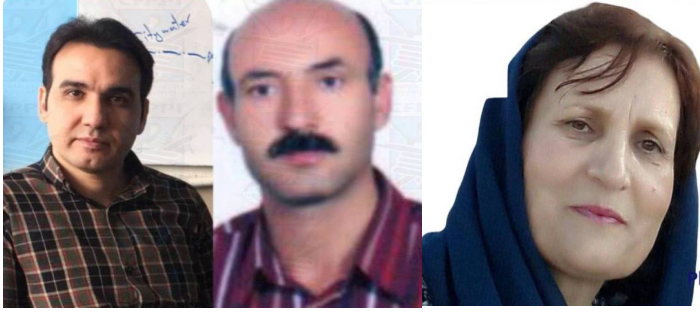
از سوی دیگر این انتخابات و انتخابات انجمن صنفی فرهنگیان استان فارس، انتخابات انجمن صنفی معلمان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، اعلام موجودیت کانون صنفی معلمان هرسین و اسلام‌آباد غرب و انتخابات کانون صنفی معلمان بیجار، تبدیل تجمع به مجمع عمومی کانون صنفی معلمان استان بوشهر و برگزاری مجمع عمومی انجمن

@bazneshasteha



رسانده و کوتاه نخواهیم آمد، چون زندگی و شرایط فلاکت‌بار معیشتی مان اجازه نمیدهد!!! شورایی بازنشستگان ایران (از مدیای اجتماعی

«با این حقوق ناچیز جانها به لب رسیده»
ما بازنشستگان در سال نو، همگام و همصدا با اراده‌ای منسجم و مستمر برای احقاق حق در کف خیابان حضور بهم



بیانیه کانون صنفی معلمان ایران تهران در اعتراض به افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر ژاله روحزاد، رسول بدافی و حمید قندی

در همین راستا و در فروردین ماه سال جدید و در پایان تعطیلات باید شاهد برگزاری دادگاه سه نفر دیگر از فعالین صنفی در دادگاه انقلاب تهران باشیم. خانم ژاله روحزاد معلم بازنشسته و فعال صنفی و آقایان رسول بدافی و حمید قندی از اعضای کانون صنفی معلمان اسلامشهر در روزهای پانزدهم و شانزدهم فروردین در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران بخاطر فعالیت های صنفی شان با اتهامات واهی محاکمه خواهند شد. اگر چه در طول یکسال گذشته با وجود فشارهای امنیتی و احکام قضایی، جریان مطالبه گری جنبش معلمان متوقف نشد، با این حال به نظر می آید؛ فرادستان حکومتی همچنان به جای پاسخگویی،

سال ۱۴۰۰ بی شک سال درخشش جنبش های مطالبه گری در ایران و بویژه جنبش معلمان بود. در طول یک سال گذشته جنبش معلمان با هدایت شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، خیابان را به عرصه مطالبه گری مسالمت آمیز در کشور تبدیل کرده و از این رهگذر به الگوی مطالبه گری جنبش های اجتماعی در ایران تبدیل شده اند. بر مبنای چنین اثر گذاری، در طول یک سال گذشته فشارهای امنیتی بر جنبش معلمان و فعالان صنفی افزایش یافته و در طول سال گذشته شاهد احضار و پرونده سازی برای دهها فعال صنفی در سراسر کشور بوده ایم.

تلاش در جهت کنترل و سرکوب جنبش را در دستور کار قرار داده اند. ما به عنوان کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت افزایش فشارهای امنیتی بر فعالین صنفی، مجدداً به همه نهادهای امنیتی و قضایی و فرادستان حاکمیتی اعلام می کنیم که چنین روندهایی تاثیری بر مطالبه گری معلمان نخواهد داشت، همانطور که در گذشته نیز نداشته است. تاکید ما بر بی گناهی همکارانمان تا بدانجا است که مسئولان قوه قضاییه را به یک هم آوردی مدنی دعوت می کنیم. شما مطابق قانون اساسی، دادگاه های

فعالان صنفی ژاله روحزاد، رسول بدافی و حمید قندی را به صورت علنی برگزار کنید و اجازه دهید همکارانمان از سراسر کشور امکان حضور داشته باشند، تا حقانیت هر کدام از طرفین ثابت شود! مگر نه اینکه شما همواره فعالین صنفی را به فعالیت های امنیتی متهم می کنید، اجازه دهید دادگاه به صورت علنی برگزار شود. ما با اطمینان همکارانمان را بیگناه می دانیم، شما اگر بر مدعای خود اطمینان دارید، اجازه برگزاری دادگاه های علنی فعالان صنفی را صادر کنید. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

احضار ژاله روحزاد، رسول بدافی، و حمید قندی به دادگاه

محاکمه میشوند. بخاطر اینکه بر تحصیل رایگان برای همه کودکان تاکید گذاشته اند. آنها بخشی از جنبشی سراسری و میلیونها نفری هستند که میخواهد جامعه را از فقر و تبعیضات گسترده و اختلاسها خلاص کند. معلمان فریاد اعتراض همه مردم هستند و باید این احضارها و سرکوبگری ها با اعتراضی سراسری پاسخ گیرد. معلمان در مبارزاتشان با تبدیل صحنه دادگاه همکارانشان به محل تجمع و اعتراض خود قاطعانه مقابل سرکوبگری

ژاله روحزاد معلم بازنشسته و رسول بدافی و حمید قندی از اعضای کانون صنفی معلمان اسلامشهر برای روزهای پانزدهم و شانزدهم فروردین از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به دادگاه احضار شدند. آنها بخاطر دفاع از حقوق معلمان و شرکت در مبارزاتی که همراه با معلمان در سراسری کشور برای خواستهای برحق خود و در اعتراض به فقر و تبعیض و اختلاسها و بی حقوقی ها داشته اند توسط اختلاسگران حاکم



های حکومت ایستاده اند. باید از مبارزات آنها وسیع حمایت و پشتیبانی کرد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) در کنار معلمان ایستاده و تلاش میکند صدای آنها در سطح جهان باشد. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای آنها باید بسته شود و به امنیتی کردن مبارزات خاتمه داده شود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۶ فروردین ۱۴۰۱

معلمان و خواست برگزاری علنی دادگاه ها!

جنبش مطالبه گری معلمان در سال گذشته است. در بخشی از آن چنین آمده است: "در طول یک سال گذشته جنبش معلمان با هدایت شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، خیابان را به عرصه مطالبه گری مسالمت آمیز در کشور تبدیل کرده و از این رهگذر به الگوی مطالبه گری جنبش های اجتماعی در ایران تبدیل شده اند". بیانیه همچنین

شهلا دانشفر

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) طی بیانیه ای، خواستار برگزاری علنی دادگاه همکاران خود شدند. قرار است ژاله روحزاد، معلم بازنشسته، و رسول بدافی و حمید قندی، از اعضای کانون صنفی معلمان اسلامشهر، در روزهای ۱۵ و ۱۶ فروردین در دادگاه انقلاب تهران دادگاهی شوند. یک اشاره این بیانیه به درخشش

به تشدید فشارهای امنیتی بر جنبش معلمان و پرونده سازی ها برای دهها معلم معترض اشاره کرده است. در ادامه کانون صنفی معلمان با تاکید بر بی تاثیر بودن چنین فشارهایی بر مبارزات آنان، خواستار برگزاری علنی دادگاههای معلمان متهم به فعالیت امنیتی شده است. بدین ترتیب معلمان از یکسو با تجمعات اعتراضی خود، بیدادگاههای حکومت برای محاکمه همکارانشان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده اند، و از سوی دیگر با خواست علنی شدن دادگاههای حکومتی، قاطعانه مقابل سرکوبگریها ایستاده اند. اگر قبلاً اسماعیل بخشی در نیشکر هفت تپه، زمانی که دستگیر و شکنجه اش کردند، وزیر اطلاعات را به مناظره طلبید، امروز معلمان با خواست علنی شدن دادگاهها، به یک نیروی پیشتاز مبارزه علیه سرکوبگری های حکومت و برای آزادی زندانیان سیاسی تبدیل شده اند. (برگرفته از ژورنال شماره ۶۹